

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان و مشکلات زناشویی relationship of attachment styles and marital problems

Maryam Sadat Madani

Master of Psychology, University of Tehran

Dr. Mohammad Ali Besharat *

Professor, Faculty of Psychology, University of Tehran

مریم سادات مدنی

کارشناس ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران

دکتر محمد علی بشارت (نویسنده مسئول)

استاد دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران

چکیده

Abstract

Attachment styles are a variable that evaluated its relation with marital problems in several study. Also in literature offers a role of attachment styles in marital relationship. Thus, examine of attachment styles in couples play significance role for suggest models about prevent of marital problems, or decrease of marital divisions. The purpose of the study was to examine relationship of attachment styles and marital problems. 160 married patients (36 men and 124 women) were recruited to the study. Participants completed the questionnaires Adult Attachment Inventory (AAI) and Glombok-Rast Marital State (GRIMS). The data was analyzed by various indicators such as frequency, percent, mean, standard deviation and Pierson product-moment correlation. The results showed that insecure attachment styles (avoidance and ambivalence) have direct significant relationship with marital problems, and secure attachment with marital problems had a significant reverse relationship. Among dimensions of attachment Gender only had a significant role in relationship of secure attachment with marital problems. Marital age had a significant role in relationship of avoidance attachment and marital problems. Thus, the results showed that attachment styles are the most factors in predicting marital.

Keywords: attachment styles, marital problems

در این پژوهش رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. آزمودنی‌های پژوهش ۱۶۰ دانشجوی متاهل دانشگاه‌های شهر تهران (۳۶ پسر، ۱۲۴ دختر) بودند که به عنوان نمونه پژوهش به روش نمونه برداری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش را پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست و مقیاس سبک دلبستگی بزرگسال تشکیل می‌دادند. در این پژوهش روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره تعدیلی به کار برده شد. نتایج پژوهش نشان دادند که سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با میزان مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار داشتند و سبک دلبستگی ایمن و میزان مشکلات زناشویی رابطه منفی معنادار وجود داشت. یافته‌های پژوهش بر نقش تاثیر گذار سبک دلبستگی بر میزان مشکلات زناشویی در زوج‌ها اشاره دارد.

کلید واژه: سبک‌های دلبستگی، مشکلات زناشویی

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: تیر ۹۵

پذیرش: مهر ۹۵

مقدمه

همه جوامع ازدواج را یکی از عوامل بهداشت روانی جامعه خود می‌دانند، چنانچه زندگی زناشویی شرایط نا مساعدی را برای ارضای نیازهای روانی همسران ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه اثری منفی و گاه جبران ناپذیر را در زوجین و خانواده به جا خواهد گذاشت. بنابراین، بهداشت روانی جامعه و سلامت فیزیکی و عاطفی، در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج است (شاملو، ۱۳۶۹). یکی از راه‌های نگرستن به ساختار خانواده، توجه به الگوی ارتباطی زوجین، یعنی کانالهای ارتباطی است که از طریق آنها زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. البته ویژگی‌های روانی و اجتماعی هر یک از زوجین و نوع تعامل آنها است که کیفیت این رابطه را رقم می‌زند. یکی از عوامل تاثیر گذار بر مشکلات زناشویی، سبک‌های دلبستگی^۱ در زن و شوهر است. سبک‌های دلبستگی عاملی تعیین کننده در ارتباطات بین فردی محسوب می‌شود به خصوص در روابط زوج‌ها که به صورت پیوسته و متقابلا با یکدیگر در ارتباط هستند. بر اساس نظریه اریکسون^۲ (۱۹۸۲)، ازدواج معمولا در راستای برآورده ساختن نیاز مرحله ششم تحول شخصیت

1. attachment style

2. Erikson, E. H.

فرد، یعنی نیاز به صمیمیت^۱ و مردم آمیزی^۲ در برابر مردم گریزی^۳ و انزوا^۴ مطرح می شود و ارضای صحیح این نیاز، تا حد زیادی در گرو درست سپری کردن مراحل قبلی به ویژه مراحل اولیه رشد است. بنابراین، تجارب اولیه فرد با والدین و نوع رابطه عاطفی فرد با آنها در دوران کودکی که سنگ بنای سبک دلبستگی فرد خواهد بود، تاثیر بسزایی در سازگاری یا عدم سازگاری او در زندگی زناشویی خواهد داشت. طبق نظریه دلبستگی، تفاوت های فردی در الگوهای دلبستگی بازتابی از تجارب متفاوت با مراقب اولیه در کودکی است (اینسورث، بلهر، واترز و وال^۵، ۱۹۷۸). نظریه دلبستگی (بالبی^۶، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲) یکی از مهمترین چهارچوب های مفهومی برای فهم تفاوت های فردی و فرایند تنظیم عاطفه^۷ در تجارب میان فردی است. نظریه دلبستگی بر این فرض بنا نهاده شده است که پیوند های مادر-کودک مسئول تنظیم تجربه های عاطفی و رفتاری کودک هستند. بالبی، بر اساس نظریه دلبستگی، مشکلات ارتباطی و اختلال های روان شناختی را محصول اختلال و گسستگی در پیوندهای دلبستگی می داند. روان درمانگران مخصوصا در حوزه های خانواده درمانگری و زوج درمانگری، نیز ناگزیر از بررسی سبکها و اختلالهای دلبستگی و نقش تعیین کننده آنها در پدیدایی مشکلات ارتباطی و اختلالهای روانشناختی، در فرایند درمان هستند (به نقل از بشارت، ۱۳۸۶).

یکی از عوامل بسیار مهم در رضایت زناشویی، سبک های دلبستگی زوجین در بزرگسالی است و به طور کلی سبک دلبستگی، یک متغیر فردی است که رضایتمندی را در روابط رمانتیک پیش بینی می کند. (بانز^۸، ۲۰۰۴). ارتباط بین دلبستگی بزرگسالان و وجوه متفاوت ارتباط های زوجین موضوع بسیاری از پژوهش ها در داخل و خارج از ایران، بوده است. این مطالعات نشان دادند که تفاوت های افراد در سبک های دلبستگی با عملکرد و کیفیت ارتباطات زناشویی آنها مرتبط است (فینی، ۱۹۹۹؛ فولر و فینچام^۹، ۱۹۹۵؛ گالو و اسمیت^{۱۰}، ۲۰۰۱؛ به نقل از اوزمن و اتیک^{۱۱}، ۲۰۱۰).

از مشهور ترین پژوهش ها در این زمینه پژوهش های هازن و شیور^{۱۲} (۱۹۸۷) و اینسورث است که با الهام از نظریه بالبی، نقش دلبستگی های متقابل^{۱۳} بزرگسالان را در روابط زوج ها بررسی کردند. نتایج نشان داد که مشخصه های پیوند عاطفی بین زوج ها با مشخصه های پیوند عاطفی کودک-مادر قابل مقایسه است و سبک های شناخته شده دلبستگی در زوج ها، احساس و رفتار آنها را در روابط زناشویی تحت تاثیر قرار می دهد.

فرضیه های بررسی حاضر عبارت بودند از : ۱- بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات زناشوی رابطه منفی وجود دارد. ۲- بین سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با مشکلات زناشوی رابطه مثبت وجود دارد

روش

طرح پژوهش حاضر نمونه ای از طرح های همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه های شهر تهران بودند. انتخاب نمونه به روش نمونه برداری قابل دسترس انتخاب شدند. تعداد ۱۶۰ دانشجوی متاهل که ۳۶ نفر (۲۳٪) آنها مرد و ۱۲۴ نفر (۷۷٪) آنها زن بودند، از بین دانشجویان متاهل دانشگاه های شهر تهران در این مطالعه شرکت کردند از آنها خواسته شد به ترتیب به پرسشنامه های وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS؛ راست و همکاران، ۱۹۸۸) و مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI؛ بشارت، ۱۳۸۴) پاسخ دهند و وضعیت تحصیلی و تعداد فرزندان و مدت ازدواج خود را نیز مشخص کنند. به دانشجویان گفته شد که هدف از پژوهش، بررسی نوع نگرش ها و احساس های آن ها در روابط زناشویی می باشد. همچنین از

10 . intimacy

2 . sociability

3 . unsociability

14 . isolation

5 . Ainsworth, M.S., Blehar, M.C., Waters, E., & Wall, S.

6 . Bowlby, J.

7 . affect regulation

8 . Banes, R.

9 . Fuller, T. L., & Fincham, F. D.

10 . Gallo, L. C., & Smith, T. W.

11 . Özmena, O., & Atikb, G.

12 . Hazan, C., & shaver, P. R.

13 . reciprocal

دانشجویان خواسته شد کلیه ماده های آزمون ها را به دقت بخوانند، مناسب ترین گزینه را انتخاب کنند و هیچ پرسشی را بدون پاسخ نگذارند.

ابزارهای سنجش

مقیاس دلبستگی بزرگسال: مقیاس دلبستگی بزرگسال^۱، که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد نمونه هایی از دانشجویان و جمعیت عمومی هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در اندازه های ۵ درجه ای لیکرت (خیلی کم= ۱، کم= ۲، متوسط= ۳، زیاد= ۴، خیلی زیاد= ۵) می سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش های زیر مقیاس های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ = n; ۸۶۰ دختر، ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۵، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و ۰/۸۶ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی^۲ خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی^۳ محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۴، ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۸۵ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۸، ۰/۸۳ و ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. روایی محتوایی^۴ مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره های پانزده نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس های "مشکلات بین شخصی" و "حرمت خود کوپر اسمیت" در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنیها در سبک دلبستگی ایمن و زیر مقیاس های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از $r = -0.61$ تا $r = -0.83$) و با زیر مقیاس های حرمت خود همبستگی مثبت معنادار (از $r = 0.39$ تا $r = 0.41$) وجود دارد. بین نمره آزمودنیها در سبک های دلبستگی ناایمن و زیر مقیاس های مشکلات بین شخص همبستگی مثبت معنادار (از $r = 0.26$ تا $r = 0.45$) و با زیر مقیاس های حرمت خود همبستگی منفی و اما غیر معنادار به دست آمد. این نتایج نشان دهنده روایی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه^۵ مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تایید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۲).

پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS): پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست^۶ (راست، بنان، کرو و گلوبوک^۷، ۱۹۸۸) یک مقیاس ۲۸ سؤالی است. پرسش ها در مقیاس چهار درجه ای لیکرت، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از صفر تا نمره سه در زمینه میزان حساسیت^۸ و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد^۹، وفاداری^{۱۰}، مشارکت^{۱۱}، همدردی^{۱۲}، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت^{۱۳} و همدلی زوجین می سنجد. حداقل نمره آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۸۴ خواهد بود. نمره تراز شده آزمودنی ها در ۹ درجه بر حسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می شود. در فرم فارسی این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه ای از زن ها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای پرسشنامه

1. Adult Attachment Inverentors
2. internal consistency
3. test-retest reliability
4. content validity
5. construct validity
6. Golornbok Rust Invenntory of Marital State
7. Golornbok Rust Invenntory of Marital State
8. sensitivity
9. commitment
10. loyalty
11. cooperation
12. sympathy
13. intimacy

است (بشارت، ۱۳۸۰). ضرایب همبستگی بین نمره های آزمودنی ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی ها $r = 0/94$ ، آزمودنی های زن $r = 0/93$ و آزمودنی های مرد $r = 0/95$ نشانه پایایی باز آزمایی خوب پرسشنامه است.

یافته ها

میانگین سنی آزمودنی ها ۲۷/۵ سال، انحراف معیار ۵/۷ سال و دامنه سنی آنها ۱۹ تا ۵۴ سال بود. ۶۷/۵ درصد آزمودنی ها بین ۱ تا ۵ سال از ازدواجشان می گذشت و باقی آزمودنی ها بیش از ۵ سال از ازدواجشان می گذشت. ۶۹/۳۷ درصد از آزمودنی ها هیچ فرزندی نداشتند.

این بررسی نشان داد که میانگین نمرات زوجین مورد مطالعه در دلبستگی ایمن ۱۶/۷۷، در دلبستگی اجتنابی ۱۱/۸۷ و در دلبستگی دوسوگرا ۱۲/۵۷ و همچنین میانگین نمرات افراد در مشکلات زناشویی ۲۰/۵۴ می باشد.

نتایج همبستگی پیرسون (جدول ۲) نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات زناشویی رابطه منفی معنادار و بین سبک های دلبستگی نا ایمن و مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد و در بین آنها سبک دلبستگی دوسوگرا بیشترین رابطه را با مشکلات زناشویی دارد.

جدول ۲- مانتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴
۱	مشکلات زناشویی	۱			
۲	دلبستگی ایمن	۰/۳۵۹**	۱		
۳	دلبستگی اجتنابی	۰/۳۳۲**	۰/۴۱۰**	۱	
۴	دلبستگی دوسوگرا	۰/۴۲۵**	-۰/۰۸۶	۰/۳۷۱**	۱

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش از یک سو به صورت هماهنگ با یافته های اوزمن و اتیک (۲۰۱۰)، بانز^۱ (۲۰۰۴)، سیمپسون (۱۹۹۰)، فینی^۲ (۱۹۹۹)، لای، میکولینسر و شیور^۳ (۲۰۱۰)، بشارت (۱۳۸۰) و بشارت، گلی نژاد و احمدی (۱۳۸۲)، نشان دادند که بین سبک های دلبستگی نا ایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با مشکلات زناشویی همبستگی مثبت معنادار و بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات زناشویی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. نتایج از سوی دیگر، نشان داد که خودپنداشت در رابطه سبک های دلبستگی و مشکلات زناشویی نقش تعدیل کننده ایفا نمی کنند. یافته های پژوهش در دو سطح تبیین می شوند در سطح اول رابطه مستقیم سبک های دلبستگی با مشکلات زناشویی و رابطه خودپنداشت با مشکلات زناشویی تبیین می شود و در سطح دوم وجود نقش تعدیل کننده خودپنداشت در رابطه سبک های دلبستگی و مشکلات زناشویی.

افراد دارای دلبستگی ایمن به خود و دیگران اعتماد دارند، به آسانی رابطه برقرار می کنند، از ارتباطات خود لذت می برند، نگران طرد شدن نیستند، دارای ثبات اند، در روابط شان لذت، صداقت و رفاقت وجود دارد و احساس ارزش نسبت به خود و دیگران دارند (بارتولومئو و هورویتز^۴، ۱۹۹۱)؛ این ویژگی ها افراد ایمن را در جلب کمک و مساعدت دیگران یاری می رساند و زمینه اجتماعی یک ارتباط سالم را فراهم می کند. در زندگی زناشویی نیز این افراد با ایجاد ارتباط سالم و بهنجار با همسر خود شرایط بروز مشکلات را به حداقل می رسانند. کریسی و هسون- مک اینوس^۵ (۲۰۰۱) سبک های دلبستگی و رضایت زناشویی را در مورد دانشجویان بررسی کردند

۱. Banes, R.

۲. Feeny, J. A.

۳. Lavy, S., Mikulincer, M., Shaver, P. R.,

۴. Bartholomew, K., & Horowitz, L. M.

۵. Creasey, G., & Hesson-Mc Innus, M.

و اعلام کردند دانشجویانی که دلبستگی ایمن در بزرگسالی داشتند رضایت بیشتری در جهت برآورده کردن نیازهای همسر، روابط طولانی تر و کلا حساسیت بالایی در روابط خود نسبت به دانشجویان غیرایمن داشتند.

درک مثبت از همسر ویژگی دیگر افراد ایمن است که تعامل های حمایتی زوجین را تقویت می کند و این خود با عث بالا رفتن رضایت زوجین می گردد. . سیمسون، رولز و فیلیپس^۱ (۱۹۹۶) واکنش ها را به یک مسئله ارتباطی حل نشده در میان زوج ها، بررسی کردند و به این یافته رسیدند که افراد دارای دلبستگی اضطرابی ارزیابی های منفی تری از همسرانشان داشتند. همچنین معلوم شد افراد دلبسته اضطرابی متاهل ادراکات منفی بیشتری از همسرانشان داشتند.

برخورداری از توان اکتشاف گری و جوارجویی دو ویژگی دیگر افراد دارای دلبستگی ایمن می باشد که می تواند یافته پیش را تبیین کند. رفتار اکتشافی و انعطاف پذیری در افراد ایمن نسبت به افراد نا ایمن به مراتب بالا تر است (اوکانر و مک کارنی^۲، ۲۰۰۷). این ویژگی جسارت لازم را برای آزمون گری و تجربه آموزی در اختیار فرد ایمن قرار می دهد. مهارت های حل مسئله در افراد ایمن محصول عمل بهنجار اکتشافگری است که مشکلات زناشویی را کاهش می دهد. نزدیکی نیز به منزله یکی از نیازهای فرد ایمن که پیوسته در جستجوی ارضا می باشد به کمک نگرش های مثبت و دوسویه پس از روابط با دیگران و در کنار اکتشاف گری به مهارت های فرد در روابط بین شخصی می افزاید (بشارت، گلی نژاد و احمدی، ۱۳۸۲).

یافته ها، همچنین نشان داد که بین خودپنداشت و میزان مشکلات زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش های محدودی که در این زمینه انجام گرفته است نشان می دهد که خودپنداشت رابطه مثبت با رضایت از زندگی به طور کلی دارد (پولسن، زیویانی و^۳، ۲۰۰۶). در واقع، خودپنداشت هر فرد اقدامی است به منظور ساخت یک روان سازه برای سازماندهی ادراکات، احساسات و نگرش هایی که آن فرد در مورد خود دارد (وولفک^۴، ۱۹۹۳). باورهای ناهمگونگ و از هم گسیخته در مورد خود به مشکلات عاطفی و هیجانی متعدد منجر می گردد (کوپر و پروین^۵، ۱۹۹۸). بنابراین، افرادی که دارای خودپنداشت واضح، هماهنگ و تقریباً باثبات هستند از سلامت روانشناختی بیشتری برخوردارند (کمپبل، تراپنل، لاول، کتز، هین و همکاران^۶، ۱۹۹۶). این افراد به یک دید روشن در مورد خود رسیده اند و کمتر تحت تأثیر وقایع روزانه و ارزیابی های این وقایع قرار می گیرند (کرنیس، پارادایس، ویتیکو، ویتمن و گلدمن^۷، ۲۰۰۰) و به طبع این موضوع افرادی که دید مثبت و واضحی در مورد خود دارند در روابط اجتماعی مخصوصاً ارتباط با همسرانشان سازش بیشتر و تعارض کمتری را تجربه خواهند کرد.

نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که نقش تعدیل کننده خودپنداشت در رابطه سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) معنادار نبود. به این صورت که سطح خودپنداشت در رابطه این متغیر ها کاهش معناداری ایجاد نمی کرد. پژوهش ها نشان می دهد که بین خودپنداشت با سبک های دلبستگی رابطه معنادار وجود دارد (ویو^۸، ۲۰۰۹). بهزیستی روانی که دارای سه مولفه رضایت از زندگی عاطفه مثبت و عاطفه منفی است، در ادراک ها و ارزیابی های افراد از خود و زندگی در ابعاد شناختی، عملکردهای روانشناختی و اجتماعی منعکس می شود (جانسون و کروگر^۹، ۲۰۰۶). پس، از جمله عواملی که می تواند در ارتباط سبک های دلبستگی و مشکلات بین زوجین نقش ایفا کند، ادراکات افراد در مورد خودشان است. ولی با توجه به عدم تأثیر تعدیلی معنادار خودپنداشت در این پژوهش به نظر می رسد، متغیر شناختی مناسب در این زمینه خودپنداشت عمومی نیست بلکه بهتر است خودپنداشت اجتماعی و یا ارزشی و یا سطح تحریف خودپنداشت افراد در نظر گرفته شود. نکته دیگر در تبیین این یافته این است که دلبستگی و مشکلات به وجود آمده در بین زوجین آنقدر ارتباط قوی با یکدیگر دارند که متغیر دیگری به راحتی نمی تواند نقش تعدیلی در این بین ایفا کند.

به طور خلاصه نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با مشکلات زناشویی رابطه منفی معنادار و بین سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت معنادار وجود دارد و سطح خودپنداشت بر میزان این رابطه تأثیر گذار نیست. بر

1 . Simpson, J. S., Rholes, W. S., & Phillips, D.

2 . O'Connor, E., & McCartney, K.

3 . Poulsen, A. A., Ziviani, J. M., & Cuskelly, M.

4 . Woolfolk, A. E.

5 . Cooper, C. L., & Pervin, L. A.

6 . Campbell, J. D., Trapnell, P. D., Lavelle, L.F., Katz, I.M., Heine, S.J., et al

7 . Kernis, M.H., Paradies, A. W., Whitaker, D.J., Wheatman, S.R., & Goldman, B.N.

8 . Wu, C. H.

9 . Johnson, w., & Krueger, R. F.

اساس این یافته ها می توان به برخی دستاورد های نظری و عملی این پژوهش اشاره کرد. در سطح نظری، یافته ها می توانند به شناخت بیشتر عوامل موثر در چگونگی وضعیت روابط بین زوجین کمک کنند. همچنین، مطالعات در مورد سبک های دلبستگی که عامل بسیار مهمی در نوع شکل گیری و چگونگی تداوم و حتی اتمام روابط بین شخصی است و همچنین متغیرهایی چون خودپنداشت می تواند به غنا بخشیدن در این زمینه مطالعاتی، یعنی ارتباطات بین زوجین، کمک شایانی کند. علاوه بر این، پژوهش حاضر می تواند هم یافته های فعلی در مورد رابطه بین سبک های دلبستگی با وضعیت زناشویی را واریسی و تائید یا رد کند و هم پرسش ها و فرضیه های جدیدی را در مورد نقش باور های افراد در مورد خودشان در رابطه بین سبک های دلبستگی و وضعیت روابط زناشویی آنها مطرح سازند، از جمله این پرسش ها عبارتند از: آیا متغیر درون شخصی دیگری می تواند در رابطه سبک های دلبستگی و روابط بین زوجین تاثیر گذار باشد؟ با توجه به عدم نقش تعدیلی خودپنداشت، آیا متغیر دیگری در سطح شناخت و باورهای افراد در این رابطه نقش ایفا می کند؟ در سطح پیامدهای عملی، با توجه به آسیب های غیر قابل برگشتی که مشکلات بین زوجین از طریق ایجاد فشار روانی در اعضای خانواده و به تبع آن کاهش بهروری مادی و معنوی آنها، به جامعه وارد می آورد، و همچنین انتقال این آسیب ها به نسل آینده از طریق ایجاد ارتباطات نادرست با فرزندان و از سوی دیگر تاثیرات مثبتی که سازش و رضایت در ارتباطات زوجین بر خانواده و به تبع آن، جامعه خواهد داشت، شناسایی عوامل تاثیر گذار و تدوین برنامه های درمانی و مشاوره خانواده بر این اساس و استفاده از اقدامات آموزشی جهت بالا بردن بهداشت روان از طریق ایجاد تغییر در باورها، می تواند به بهبود روابط زوجین و پیشگیری از اختلافات پیش رو کمک کند.

از جمله محدودیت های این پژوهش این است که جامعه آماری پژوهش حاضر به دانشجویان متاهل شهر تهران محدود می شود. همچنین، محدودیت در جلب همکاری و مشارکت زوج ها در پاسخ دهی به پرسشنامه های پژوهش خصوصا سوالات آزمون وضعیت زناشویی وجود داشت که در آن به برخی از جنبه های زندگی خصوصی زوج ها اشاره شده بود. همین امر سبب استفاده محقق از روش نمونه برداری در دسترس شد. طرح پژوهش مطالعه حاضر به عنوان یکی از نمونه طرح های همبستگی، نیز محدودیت هایی را در زمینه اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می کند که باید در نظر گرفت.

با توجه به این که اختلافات زناشویی تحت تاثیر عوامل مختلف درون شخصی و اجتماعی قرار دارد، پیشنهاد می شود پژوهش های آتی سایر جنبه های روانشناختی و متغیرهای تاثیر گذار بر این اختلافات را نیز بررسی کنند تا بتوان از نتایج آن ها برای بهبود بیشتر مداخله های درمانی در زوج های ناسازگار استفاده کرد.

منابع

- بشارت، محمد علی (۱۳۸۰). بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک- راست. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین ناباور. فصل نامه تازه های روان درمانی، ۲۰، ۵۵-۶۶.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۶). مبانی درمانگری نظریه دلبستگی. روانشناسی عرصه ها و دیدگاهها. تهران: انتشارات سمت.
- شاملو، سعید (۱۳۸۱). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد.

- Banes, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2, 273-282.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Buttler, M. H., & Wampler, K. S. (1999). A meta-analytical update of research on the couple communication program. *American journal of family therapy*, 27, 233-237.
- Byrne, B. M. (1984). The general academic self-concept nomological network: A review of construct validation research. *Journal of Re Educ Res*, 54, 427-56.
- Campbell, J. D., Trapnell, P. D., Lavelle, L.F., Katz, I.M., Heine, S.J., & Lehman, D.R. (1996). Self-concept clarity: Measurement, personality correlates and cultural boundaries. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 141-56.
- Cooper, C. L., & Pervin, L. A. (1998). *Personality: Critical concepts in psychology*. New York: Routledge.
- Creasey, G., & Hesson-Mc Innus, M. (2001). Affective responses, cognitive appraisals, and conflict tactics in late adolescent romantic relationships associations with attachment orientation. *Journal of Counseling Psychology*, 48, 85-96.
- Erikson, E. H. (1982). *The Life Cycle Completed: A Review*. New York, NY, USA: Norton.

- Feeny, J. A. (1999). Adult Romantic attachment and couple Relationship in J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.) *Handbook of attachment theory, research, and clinical applications*. London: Guilfrd Press.
- Hazan, C., & shaver, P. R. (1987). Romantic Love Conceptualize as an attachment process. *Journal of personality Social psychology*, 52, 511-524.
- Johson, w., & Krueger, R. F. (2006). How money buys happiness: Genetic and enviro mental processes linking finances and life satisfaction. *Journal of personality and Social psychology*, 9, 680-691.
- Kernis, M.H., Paradies, A. W., Whitaker, D.J., Wheatman, S.R., & Goldman, B.N. (2000). Master of one's psychological domain? Not likely if one's selfesteem is unstable. *Journal of Personality and Social Psychology Bulletin*, 26, 1297-1305.
- Kihlstrom, J. F., Albright, J. S., Klein, S. B., Cantor, N., Chew, B.R., & Neidenthal, P. M. (1988). Information processing and the study of the self. *Journal of Experimental Social Psychology*, 21, 145-80.
- Knippenberga, D. V., Knippenberg, B. V., De Cremerc, D., & Hoggd, M. A. (2004). Leadership, self, and identity: A review and research agenda. *The Leadership Quarterly*, 15, 825-856.
- O'Connor, E., & McCartney, K. (2007). Attachment and cognitive skills: An investigation of mediating mechanisms. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 28, 458-476.
- Özmena, O., & Atikb, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. *Journal of Procedural Social and Behavioral Sciences*, 5, 367-371.
- Poulsen, A. A., Ziviani, J. M., & Cuskelly, M. (2006). General self-concept and life satisfaction for boys with differing levels of physical coordination: The role of goal orientations and leisure participation. *Journal of Human Movement Science*, 25, 839-860.
- Renshaw, K. D., Blais, R. K., & Smith, T. W. (2010). Components of negative affectivity and marital satisfaction: The importance of actor and partner anger. *Journal of Research in Personality*, 44, 328-334.
- Shavelson, R. J., & Bolus, R. (1982). Self-concept: The interplay of theory and methods. *Journal of Educational Psychology*, 74, 3-17.
- Simpson, J. A. (1990). The influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 971-980.
- Simpson, J. S., Rholes, W. S., & Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships: An attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 899-914.
- Woolfolk, A. E. (1993). *Educational psychology*. (5th. Ed). Boston: Allyn and Bacon.
- Wu, C. H. (2009). The relationship between attachment style and self-concept clarity: The mediation effect of self-esteem. *Journal of Personality and Individual Differences*, 47, 42-46.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی